



فاطمه سادات موسوی

معاونت ادبی

شماره ۳ - آذر ۱۳۹۸

پیشنامه

اولویت دادن حق یا مصلحت عمومی بر یکدیگر مسئله ای بوده که همواره جای مناقشه داشته است. تفاوت برتری دادن یکی بر دیگری به حدی است که می توان سنگ محک تشخیص یک جامعه ی امنیتی از یک جامعه ی آزاد را در تشخیص همین اولویت قرار داد.

همانطور که امنیت برای یک جامعه لازم و ضروری است و جامعه ی بدون امنیت به تدریج ویا ناگهانی از بقا ساقط خواهد شد، آزادی نیز عنصری حیاتی است و جامعه ی بدون آزادی بویی از پیشرفت و ترقی نخواهد شنید.

از آنجا که لزوم یکی، از اهمیت دیگری نمی کاهد نتیجه می گیریم که تعادل میان این دو عنصر حیاتی جامعه هم برای حاکمان و هم مردم به شدت ضروری است. چنانکه در مواردی، امنیت می بایست محدوده خود را کوچکتر کند تا آزادی شهروندان مورد حمله قرار نگیرد و در موارد نیاز، آزادی می بایست فدای امنیت اجتماعی عموم شهروندان و جامعه به نفع گردد.

نحوه گزینش چگونگی و زمان این محدودیت ها در جوامع مختلف به اشکال گوناگون است و همین مطلب باعث می شود تا نگاه طولی به میزان آزادی و امنیت در جوامع مختلف غلط محسوب شود.

ارتباط با نشریه

شماره تماس: ۰۹۸ ۹۱۹ ۵۵۱ ۲۸۵۲
ایمیل: Charkhe.ut@gmail.com

Charkhe.ut

دید دقیقا از چه چیزی آزاد است؟ عده ای آزادی را: فقدان منع و جلوگیری تعریف کرده اند (کاتوزیان، آزادی اندیشه و بیان) کانت، آزادی را استقلال در چیزی سواى قانون اخلاقی تعریف کرده است.

شهید مرتضی مطهری نیز آزادی را رفع مانع از فعالیت یک قوه ی فعال و پیشرو معنا کرده است. و این چنین فرموده اند که: تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از آزادی فکر (ولو از روی سوء نیت) برخوردار بوده، در نهایت به سود اسلام تمام شده است. اگر در جامعه ی ما محیطی آزاد برای برخورد آراء و نظریات پدید آید که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف خود را مطرح کنند ما هم می توانیم حرف خود را مطرح کنیم. تنها در چنین بستر سالمی است که اسلام رشد می کند.

یکی از انواع آزادی، آزادی بیان است. آزادی قلم، مطبوعات، رسانه ها و اطلاع رسانی، از انواع آزادی بیان است. در اینجا می توان از شباهت ها و تفاوت های آزادی عقیده و بیان و التزامات این دو با یکدیگر صحبت کرد. در ترمینولوژی حقوق، آزادی عقیده قسمی است از آزادی های فردی که به موجب آن افراد حق آزادی ابراز اندیشه، اعتقادات و نظریه های خود را دارند. عده ای موافق آزادی عقیده و مخالف آزادی بیانند و بالعکس. در حالی که جدایی این دو از یکدیگر ممکن نیست. مخالفان آزادی همچون افلاطون آزادی را محل یگانگی اجتماعی می دانستند و به وجود دولتی مقتدر برای وضع مقررات به صورت جبری و الزام به رعایت آن قواعد معتقد بودند. در واقع مردم طبق یک قرارداد اجتماعی، از آزادی خود چشم می پوشند و در مقابل دولت، امنیت اجتماعی آنان را تأمین می کند. (چه بسا در جوامعی با حاکمیت سرکوب، نه تنها امنیت اجتماعی بلکه امنیت

معیشتی نیز برقرار نشود). شاید بتوان منشأ این مخالفت را این طور بیان کرد که مسئولان جامعه در برابر افکار و عقاید قشر پویا، آزاد و مستقل کشور آمادگی نداشته و توان پاسخگویی به آنان را ندارند. در این جوامع، شرایط حضور مردم در صحنه فراهم نمی شود و این دسته از افراد به اصطلاح مسئول، خود را در برابر هجمه ی مردم و پاسخگویی و روشن سازی مسائل مصون می دارند. در حالی که رهبر جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در صحیفه نور این طور بیان کردند که:

این به آزادی است که اعطا فرموده اند آزادی را؟ مگر آزادی اعطا شدنی است؟ کلمه ی اینکه اعطا کرده ایم آزادی را جرم است. آزادی مال مردم هست. خدا آزادی داده بـه مردم

و این نشانگر نگاه متعالی ایشان به جامعه ی آزاده ی اسلامی است. در رابطه با آزادی بیان ادله و مستندات فراوانی یافت می شود. قرآن کریم در آیات متعدد از آزادی انسان در برابر دیگران سخن گفته است. آل عمران آیه ۷۱: ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید و حق را پوشیده می دارید در صورتی که (به حقیقت آن) آگاهید؟

می توان این گونه استنباط کرد که انسان، نه تنها آزاد است، بلکه در برابر بیان کردن اطلاعاتی که نیاز است دیگران بدانند نیز مسئول شناخته می شود. در غیر اینصورت مجرم است. عدم قبول آزادی بیان با یکی از ارکان اساسی جامعه ی اسلامی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر در تناقض است. آیا این چنین نیست که اشخاص با داشتن چنین حقی می توانند، خود را در موضع پند دهنده ببینند و از جبروی و اتحراف دیگران جلوگیری کنند؟

واژه‌های علمی

همتراز پارسی برای: نفت / Oil

رادیناس نامی ایرانیست. بر اساس مندرجات کتابهای "سهم ایران در تمدن جهان" به قلم حمید نیر نوری و "تاریخ تمدن ایران ساسانی" به قلم سعید نفیسی اولین بار در ایران و نزدیکی شوش و در زمانی قبل از داریوش هخامنشی، نفت بصورت ماده ای سیاه رنگ (شبهه قیر) بر روی زمین دیده شد که ایرانیان در آن زمان نام آن را رادیناس گذاشتند و در جنگ ها برای ایجاد آتش از آن استفاده می کردند.

هروودت در این باره می نویسد: ایرانیان نخست با چوب خمیده‌ای که ته آن را به سطلی چرمی بسته‌اند نفت خام را از چاه بیرون می کشند و آن را در مخزنی خالی می کنند، مایع پس از گذر از سطل دیگر به سه شکل درآمده، قیر و نمک فوراً بسته و سخت می شوند و مایع نفت خارج شده و در محفظه‌هایی می ریزند، ایرانیان این را رادیناس یا (اردیکا) می خوانند که ماده‌ای است سیاه رنگ، سوختنی و دارای بویی نامطبوع.

حضور غیرمسلمانان در محافل علمی که ائمه معصوم علیهم السلام در آن حضور داشتند و بیان عقاید مخالف و حتی در مواردی هتاکانه، نشان از وجود حق آزادی بیان در آن دوران داشته است. ائمه معصوم به روشنی حقایق و مسائل پیش آمده را تشریح و تبیین می کردند. همچنین آزادی بیان در اسناد حقوقی داخلی، به خصوص قانون اساسی، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و اصول ۲۴ تا ۲۷ و ۱۲۷ در قانون اساسی به این مسئله پرداخته است

اصل بیست و سوم
تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل بیست و شش
احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت.

اما در قوانین عادی بیش تر از آن که از حق آزادی بیان حمایت شود، این قوانین را به انزوا کشیده اند و آنچه که این روز ها در کشور مشاهده می کنیم کاهش روز افزون تعداد محدودیت های سنگین بر تجمعات دانشجویان در داخل دانشگاه، سرکوب دانشجویان با هر وسیله ی ممکن، به جان هم انداختن احزاب مخالف و خنثی سازی اعتراض به مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و حتی آموزشی کشور و البته ستاره دار شدن دانشجویان و... است (ستاره ای که نقض اصول متعدد قانون اساسی ذکر شده در مطلب است). قانون به صراحت بیان می کند دولت باید شرایط تحصیل را برای عموم مردم فراهم کند، در حالی که این مسئله قانون را نقض می کند و حق ادامه تحصیل را از بسیاری از دانشجویان می گیرد. دانشجویان ستاره دار، دانشجویانی هستند که به خاطر فعالیت های سیاسی و صنفی خارج از چهارچوب تعیین شده محکوم می شوند

آیا دانشجویان ۱۶ آذر ۱۳۳۲ فعالیت جز فعالیت سیاسی داشته اند؟!
در نهایت باید گفت، در حال حاضر دانشجویان فعال و پیشروی جامعه ی ایرانی، نه تنها در روزهای دیگر سال بلکه در همین روز دانشجو نیز در بند محدودیت های سیاسی و اجتماعی هستند و حتی نمی تواند در برابر پایمال شدن حقوق و آزادی های فردی خود اعتراض کنند. چراکه اگر قدم از قدم بردارد به سرنوشتی دچار می شود که... با این وضعیت چگونه جامعه ی دانشجویی می تواند در برابر وضعیت نابسامان معیشتی مردم، منافع به حشانش، اتفاقات روز کشور، فساد مسئولان و... اعتراض کند؟

قابل توجه بخش دانشجویان

دو قاشق غذاخوری خواب آلودگی، دو پیمانه بی پولی، تعدادی استاد، خسته نباشید به مقدار دلخواه، یک پیمانه پیکسل و تعدادی عینک های روشنفکری موهایی آشفته و تعدادی شانه تخم مرغ به میزان کافی؛ این ها مواد اولیه برای تشکیل یک عدد دانشجو هستند. با فرارسیدن روز دانشجو شاید اولین و آخرین روزی را شاهد باشیم که همه دانشجوها از دانشگاه هاوارد گرفته تا دانشگاه روستای بیدهند سفلی، کارت دانشجویی خودشان را دست گرفتند و با جدیت تمام به دنبال تخفیف برای کافه ها و رستوران ها می گردند. اما در این روز فرخنده که نباید فقط خودزنی کنیم. باید از فواید وجود این قشر عزیز هم بگوییم. مثلاً باید بدانیم اگر دانشجو نبود، کشور چطور نیاز مبرم خودش را برای داشتن گارسون ها و رفته رفته راننده های تاکسی ها و فلافل فروش های فهیم و با مدرک دکتری تامین می کرد؟ اگر دانشجو نبود چطور اساتید محترم تکرار غریبانه روزهای بی قراریشان را مقابله به مثل می کردند؟

اگر دانشجو نبود، تاجر محترم پاکستانی چطور با فروش برنج های پاکستانی درجه Z به سلف دانشگاه های ایران امرار معاش می کردند؟ اگر دانشجو نبود چطور گوشت های یخ زده ی برزیلی به طور کاملاً ناگهانی کمیاب

می شدند؟ و سر از محیط های رازهای در طول ترم و آکادمیک درمیآوردند؟ اگر دانشجو امتحان رو کشف کنیم نبود مسئولین آموزش جمله ی نمیشه و خلاصش را بگم، ما باید از سایت اقدام کنی که اونم خرابه جویندگان گنجی به رو به کی میگفتن؟ اونوقت بود که از شدت تنهایی باید این جمله ها را، در یخچال خنوشون می زدند و جلوی آینه به خودشون می گفتند وقت نمازه بعدش بیا! اگر دانشجو نبود چطور گورستان ها با فروش یه ماده خاص به سلف های دانشگاه های ایران ایضا بازسازی می شدند؟ اگر دانشجو نبود چطور این هه کانال های طنز مختلف داشتیم که با نمونه های خارجی شانه به شانه رقابت کنند؟ اگر دانشجو (ما بی کارهای دوست داشتنی) نبودیم چطور ما می توانستیم هر بار در پیچ این سلبریتی های بلاد کفر همگی از عزت کشورمان دفاع کنیم؟ حالا که این همه از فواید بودنمان گفتیم بد نیست از ریشه یابی اسم خودمان هم نگذریم دانش+جو، ما دانش را میجوییم! البته ما شاید دانش درس های خودمان را بیشتر شب امتحان بجوییم ولی دانش هایی مثل چگونه بدون اینسکه اسم طرف را بدانیم آیدی اینستاگرام او را بجوییم خوب تر می دونیم! بیایید صادق باشیم، ما بهترین روش های پیچاندن را هم میجوییم. ما می دانیم که باید نحوه درس دادن استادها رو قبل انتخاب واحد بجوییم ما می دانیم که باید جلسه اول و جلسه آخر هر کلاسی را به خوبی بجوییم تا رمز و

قدیمی نیست بلکه قراره ما با این آموزش ها به مرحله ای از معرفت و سیر و سلوک برسیم که هر کدام موضوع اختصاصی خودمان را داشته باشیم به طوری که هر وقت مسافری در تاکسی ما رو باز کرد با اعتماد به نفس کامل بهش بگوییم: «دوست من تو این تاکسی فقط موضوع ورزشی بحث می شود، اجتماعی میخوای اون تاکسی زرد پشت سری!» خلاصه کنم و چشمتان را درد نیآورم، این روزها چه خوب و چه بد، چه تلخ و چه شیرین، چه در پردیس قم چه در پردیس مرکز می گذرند، چیزی که می ماند همین عصا و ویلچر و سرطان اعصاب و موی سفیده که از این دوره شیرین به ارث می بریم.



روزتون مبارک آینده سازان میهن!



نگین قربانی
طنزنویس



نویسنده: قهرانی

معاونت اجتماعی

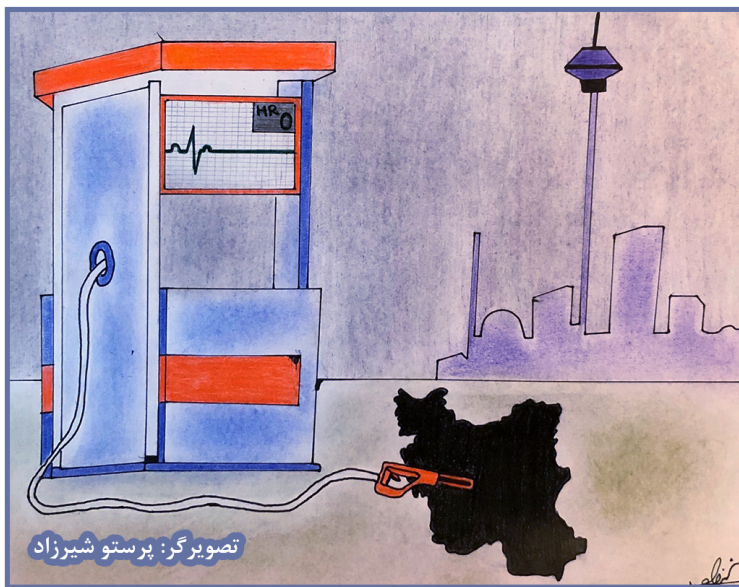
۲۳ آبان ماه در حال بررسی یکی از گروه‌های پیام‌رسان فیلترشده در کشورمان بودم که با پیام عجیبی مواجه شدم: «رفقا بنزین قراره گرون شه. هر کی بنزین می‌خواد بهم بگه. الان نرخ ۱۲۰۰ تومنه فردا میشه ۱۳۰۰». من بی‌خبر از همه چیز خوابیدم و صبح بلند شدم و طبق معمول، دوباره پیام‌رسان فیلترشده را برای بررسی اخبار باز کردم و فهمیدم که بله! گران شده. خوب هم گران شده! جوری شگفت‌زده شدم که هیچ‌کس در تولدش اینگونه سوپرپرایز نشده.

به قول وزیر بسیار محترم کشور: چون چند ماه پیش خبر افزایش قیمت بنزین لو رفته بود، گفتیم این طرح اجرا نمی‌شود.

پس چندین ماه در تدارک شگفت‌زده کردنمان بودند!

● نقد یک تفکر

از همان ساعات ابتدایی گرانی بنزین بحث اصلی‌ای که مطرح شد نحوه‌ی تصویب این طرح بود. صحبت‌های عجیبی در گوشه و کنار قابل مشاهده بودند. در برخی جاها گفته می‌شد که در شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا این طرح به تصویب رسیده که این به معنی رفتن جهت تمامی اخبار به سمت رهبری می‌شد. زیرا مصوبات این شورای بسیار محترم باید در نهایت به تصویب رهبر برسد. در همان ساعات رسانه‌هایی که خود را اصطلاحاً وابسته به جناح راست می‌دانند و خود را انقلابی نشان می‌دهند، تلاش در ناآگاه‌نشان دادن رهبر در این قضیه داشتند و می‌گفتند که دولت به تنهایی و در راستای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها این طرح را تصویب کرده. اما پس از گذشت چندین ساعت و مشخص شدن این موضوع که این طرح مصوبه‌ی همان شورای بسیار محترم است، ناگهان تمامی این رسانه‌ها و اشخاص شروع به مدح و ستایش رهبری و اقدام شجاعانه‌ی ایشان کردند. تمامی این رسانه‌ها پر شدند از بررسی‌های همه‌جانبه‌ی طرح گرانی بنزین که تماماً آن را خوب ارزیابی می‌کردند. در حالی که همین رسانه‌ها در چند سالی که دولت تلاش بسیار می‌کرد که بنزین را گران کند به نقد و حمله به این طرح می‌پرداختند و آن را اشتباه و احمقانه و به ضرر قشر مستضعف قلمداد می‌کردند. این اشخاص و رسانه‌ها یک کار ثابت دارند و آن هم پیروی بدون تفکر است. به نظر شما چه چیزی می‌تواند باعث این شود که یک شخص تماماً عقل



تصویرگر: پرستو شیرزاد

جهت بسیار بدتر از دو کشور شیلی و فرانسه است. در حال که مجموعاً اعتراضات شیلی و فرانسه کمتر از ۵۰ کشته به همراه داشته، به گفته‌ی سازمان عفو بین الملل اعتراضات در عراق با بیش از ۳۰۰ کشته همراه بوده. جهت دیگری که اعتراضات عراق را از اعتراضات دو کشور دیگر متمایز می‌کند این است که این تظاهرات دامن‌گیر کشور ایران هم شده. (از به آتش کشیده شدن کنسولگری ایران در نجف تا بسته شدن مرزها و سر دادن شعارهای مختلف علیه ایران) حال بیاید نگاهی به نتایج اعتراضات در این سه کشور داشته باشیم:

در فرانسه دولت طرح افزایش قیمت سوخت را به حالت تعلیق در آورد و اصلاحات کلی در مالیات به وجود آورد. در شیلی حقوق نمایندگان پارلمان و سنای این کشور ۵۰ درصد کاهش یافت و کل کابینه‌ی دولت برکنار شدند. در عراق نخست‌وزیر این کشور، عادل عبدالمهدی، استعفا داد و از قدرت کناره‌گیری کرد. نکته‌ی جالب دیگر در عراق حمایت آیت الله سیستانی، مرجع تقلید بزرگ این کشور، از تظاهرات مردمی بود که حتی منجر به صدور فتوای حرمت ریختن خون مردم توسط وی شد. اتفاقی که در ایران کم‌تر شاهد آن هستیم. البته نباید از این نکته گذشت که آیات عظام علوی گرگانی، صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی به صدور بیانیه علیه گرانی بنزین پرداختن اما در ایران اوضاع جور دیگری بود.

● جایگاه اشخاص معروف سیاسی، هنری و اجتماعی در اعتراضات

پس از قطعی گسترده‌ی اینترنت تبعاً دسترسی مردم به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با اخلال رو به رو شد. چند سالی است که فضای مجازی، اصلی‌ترین واسطه‌ی ارتباطی میان مردم و سلبریتی‌ها است. اکثر شما احتمالاً باید فضای مجازی را در بحبوحه‌ی انتخابات ۹۶ را به خاطر داشته باشید که با حمایت گسترده‌ی سلبریتی‌ها و اکثر اشخاص معروف از دولت فعلی همراه بود. حال پس از گذشت

هفتم آذر ماه، سالروز گرامی داشت نیروی دریایی ارتش کشور عزیزمان، ایران است؛ چراکه در سپیده‌دم این روز عملیات استراتژیک و بزرگی موسوم به مروارید، که با درایت فرماندهان ارتش کشورمان طراحی شده بود، با فرماندهی شهید ابراهیم همت صورت گرفت. در نتیجه‌ی این عملیات (که تنها کمتر از دو ماه پس از پایان جنگ تحمیلی رخ داد) می‌توان به این مسئله اشاره کرد که امروزه دیگر نامی از نیروی دریایی کشور عراق شنیده نمی‌شود.

نیروی دریایی ارتش کشورمان در طی هشت سال دفاع مقدس در بیشتر جبهه‌های آبی و خاکی، حضور داشت و این حضور شکوهمندانه، سبب امیدواری رزمندگان کشورمان و وحشت همیگی ارتش بعثی عراق بوده است.

از جمله عملیات‌های نیروی دریایی قدرتمند کشورمان - که رتبه دوم دفاع ساحلی و رتبه چهارم نیروی‌های دریایی حال حاضر جهان را دارا است - می‌توان به مقاومت ۲۴ روزه خرم‌شهر، شکست حصر آبادان، آزادسازی خرمشهر، عملیات والفجر ۸ و همچنین حضور در مناطق کوردنشین غرب کشور و بیش از ۲۰ عملیات بزرگ دیگر که کمتر برای مردم ایران بازگو شده‌اند اشاره کرد. در واقع می‌توان این‌طور گفت که در تمامی جبهه‌های جنگی کشور نقش پررنگ نیروی دریایی ارتش ایران دیده شده است.

درسال هزار و سیصد و نود و شش، ۴۲۰۰ ناو نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اسکورت شده و در همین زمان، ۲۱۸ مرحله درگیری با دزدان دریایی داشته است.

و باید اشاره کرد، ناوگروه‌های جمهوری اسلامی ایران رکورد ۱۵۰ روز حضور مستمر در آبهای آزاد را نیز دارا هستند!

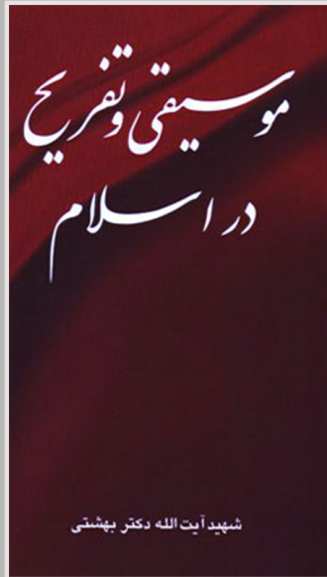
نیروی دریایی ارتش همواره حافظ امنیت کشور و ملت بوده و در دفاع مقدس نیز از هیچ تلاشی مضایقه نکرده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان اشاره کرد به حفاظت از آب‌های نیلگون خلیج فارس و دریای مکران و دفاع جانانه از خاک ایران که سبب شده است در یاد و خاطر مردم ماندگار شود.

به نقل از ناخدا هوشنگ صمدی، یکی از بزرگ‌ترین ناخدا‌های کشورمان:

"اگر کادر ارتش ایران پس از انقلاب همان ارتش پیش از انقلاب بودند؛ جنگ در همان سال‌های اول به پایان می‌رسید."

امین دهقان
معاونت سیاسی

کتاب آذر



کتاب موسیقی و تفریح در اسلام حاوی دو گفتار از شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی است. گفتار نخست درباره حرمت موسیقی است که در سالیان حضور ایشان در آلمان (۱۳۴۳-۱۳۴۹) به عنوان امام مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ و در پاسخ به پرسشی که از ایشان در این باره شده ایراد گردیده است. ذکر خدمات آن شهید فرزانه در آن دیار فرصتی مبسوط می طلبد، اما نکته شایان توجه این است که یکی از برنامه هایی که توسط ایشان انجام می شد، پاسخ به پرسش های مسلمانان مقیم اروپا، اعم از ایرانی و غیر ایرانی، به صورت مکاتباتی و یا ارسال نوار صوتی بوده است که این گفتار از این قسم آخر است که با امید به اینکه در شناخت دیدگاه های فقهی ایشان مؤثر افتد تقدیم شما می شویم.



برای دریافت
رایگان فایل
این کتاب از
این کد QR
استفاده کنید

دانشگاه مادرکنده — جوز؛
دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: مدیرمسئول، سردبیر،
طراح و صفحه آر: محمدامین عبیدی قمی

زمینه انتشار: فرهنگی-اجتماعی
(سیاسی، اقتصادی، هنری، ادبی)

تاریخ انتشار: ۱۸ آذر ۱۳۹۸ شماره ۳:

حتما با ما در
تماس
باشید. منتظر
نظرات، پیشنهادات
شما هستیم
@Charkhe_UT



و تظاهرات را برپا می کنند و تانرسیدن به اهداف خود از آن دست نمی کشند. اما در ایران پس از مدتی اعتراضات می خوابد و همه چیز به روال عادی و سابق خود برمی گردد و حکومت هم به تمام خواسته های خود می رسد. سؤال اصلی این است که چرا این تفاوت مهم وجود دارد؟ شاید اولین پاسخی که به ذهن همگان برسد این باشد که به دلیل برخورد و نحوه سرکوب، این اتفاق رخ می دهد. یعنی با دستگیری های گسترده و کشتار عده ای از مردم، باقی مردم می ترسند و بی خیال ادامه می دهند. اعتراض می شوند. اما باز هم سؤالی که طرح می شود این است که چرا مردم می ترسند؟ مگر همین مردم ۴۱ سال پیش با وجود خفگان شدید حکومت پهلوی و کشتارهای دسته جمعی و دستگیری ها و شکنجه های شدید بر علیه حکومت سابق قیام نکردند؟ پس در این ۴۱ سال چه بر سر مردم ایران آمده که خیلی سریع از آرمان های خود دست می کشند و بی خیال آن ها می شوند؟

دنبال کنید همیشگی با یک سری دیالوگ ثابت برخورد خواهید کرد: دست داشتن رسانه های معاند در اعتراضات، حضور اشرار و اغتشاشگران در تظاهرات، دستگیری عاملین تظاهرات که به سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای بیگانه وابسته بودند، اعلام انزجار مردم از اخلالگران امنیت و اشرار ... اما آیا تا به حال این سؤال برایتان پیش نیامده که این رسانه ها به چه اشخاصی اشرار و اغتشاشگر می گویند؟ آیا تمام کسانی که اموال عمومی را به آتش می کشند مخالف مردم ایران هستند؟ چرا این اشرار صرفا به دنبال آسیب زدن به بنر عده ای خاص و یا مکان های خاص مثل پایگاه های بسیج و بانک هستند و با مدارس و بیمارستان ها کاری ندارند؟ به نظر شما این فرمول ثابت حکومت تا کی پاسخگو خواهد بود؟

● دلسرد بودن مردم یا دلسرد کردن آن ها؟

در سه کشوری که در متن به آن ها اشاره شد، اعتراضات پس از هفته ها، ماه ها و یا حتی سال ها به صورت پرقدرت در جریان است و نه تنها مردم از آن خسته نشدند، بلکه هر بار پرقدرت تر به خیابان ها آمده

۳۰ ماه از آن اتفاقات و روی کار آمدن دولت محبوب سلبریتی ها، این اشخاص معروف در بیانیه ای مشترک در فضای مجازی اقدام به محکومیت کشتار مردم و حمایت از اعتراضات مردمی پرداختند. اما این سلبریتی ها ابتدا باید به یک سؤال مهم پاسخ دهند. علت اتفاقات اخیر چیست؟ آیا همان دولت مورد حمایت شما نبود که این سیاست های ظالمانه را به وجود آورد و اختلاف طبقاتی را روز به روز بیش تر کرد؟ سلبریتی ها خود مسئول وضع پیش آمده هستند، آن گاه خود این اشخاص از وضع پیش آمده انتقاد می کنند. چه قدر مضحک! راستی از طرح معافیت مالیات هنرمندان چه خبر؟

همین طور اشخاص سیاسی، همان هایی که تکرار کردند و حمایت کردند، این روزها در حال صدور بیانیه علیه برخورد با اعتراضات مردمی هستند. آیا این اشخاص خبر ندارند که تمامی برخوردهای رخ داده با هماهنگی و موافقت و دستور مستقیم دولت محبوبشان رخ داده؟

● فرمول ثابت مواجهه با اعتراضات

اگر اعتراضات سال های اخیر را مرور کنید و باز تاب آن ها را در صدا و سیما

پان ترکسیم چیست؟

در این زمان که شروع به نوشتن این مقاله کرده ام، از وقایع اتفاق افتاده در کردستان سوریه مدت ها میگذرد و تاکنون واکنش های بسیاری نسبت به آن صورت گرفته است. از واکنش های ضد جنگ و قتل عام بی گناهان، تا واکنش هایی که در حمایت از این کشتار صورت گرفت. و این مقاله به بررسی طرز فکر حامیان این کشتار می پردازد.

این افراد، که اتفاقا عده کمی هم نیستند، از توهین به هیچ کس و هیچ چیزی در راه خود دست بر نداشته و در اکثر عرصه ها خود را دخیل می کنند. (در استادیوم ها بارها شعارهای آنان را شنیده ایم!) و حتی ممکن است بر دوستان ما هم اثر گذاشته و به گونه ای این جوانان را هم بر حامیان خود افزوده باشند.

طیف عقاید این افراد دامنه گسترده ای را در بر می گیرد. قسمتی از آنچه که در تعاملات خود با آنها مشاهده کرده ام:

آنها خود را حامیان ایجاد کشوری در قلمرو تحت سیطره ترک زبانان می دانند و برگ را نماد خود در نظر گرفته و از هجوم به عناصر ارزشمند اجتناب نمی کنند. معمولا هم از مواردی در تاریخ استفاده می کنند که ریشه سند معتبر تاریخی، برای ارائه و اثبات آن نداشتند و در واقع، مورد اختلاف ترین و ناشناخته ترین وقایع را انتخاب کرده و سپس تا جایی که میتوانستند تفسیر به رأی می کردند. برای نمونه اقوام ساکن بین النهرین که ریشه آنها مورد اختلاف تاریخ دانان است را دارای ریشه ای ترکی میدانند. یا ماساژتها را که از اقوام هندوایرانی بودند، از مردمان ترک می دانند

البته باید این ابهام را برطرف کرد که منظور از ترک، صرفا ترک زبان نیست، اما، این گروه تلاش دارند زبان را مشخصه ای نژادی بدانند که به هیچ صورت منطقی نیست که ما، تمامی مردمان ساکن در شمال چین و بخش هایی از روسیه تا ترکیه را، همگی از یک نژاد بدانیم.



در دوران پیش از اسلام نیز می توان به آتیل، خان هونها اشاره نمود که به غرب تاخت. قبیله هون با گذر از ولگا خود را به اروپا رساند و همگام با فتوحات خود، مشکلاتی برای اروپاییان ایجاد کرد و پس از او هم تا مدت ها ترس هولناکی بر اروپا سایه افکنده بود. پس از اسلام و در طی فتوحات مسلمانان، قبایل ترک با مسلمانان برخورد هایی داشتند که به موجب آن به اسلام روی آورده و وارد قلمرو حکومت اسلامی شدند. اولین حکومت ترک آن آسیای میانه در ایران، حکومت غزنویان بود که آغاز دوره ی حکومت این قوم بر بخشی از قلمرو ایران بزرگ است.

پس از آنان قبیله ی سلجوقیان شروع به قدرت گیری کرده و بخش بزرگی از قلمرو ایران را تحت سیطره خود قرار دادند. آنها پس از غلبه بر هر بخش، سمران دست نشانده خود را به حکومت می رساندند.

در این دوره پس از پیروزی در نبرد ملازگرد، تعدادی از قبایل ترک به آناتولی وارد شدند و این گونه ترک آن آسیای میانه، وارد عرصه سیاسی خاورمیانه شده و تا به امروز تاثیرات این وقایع قابل مشاهده است. این قبایل سیطره تاثیرات فراوانی بر زبان مناطق تحت سیطره خود گذاشتند اما، زبان دیوانی در اکثر این حکومت ها زبان دری بود و پادشاهان آنان فارسی می دانستند و حتی به زبان فارسی نیز شعر می گفتند. در عثمانی زبان دیوانی و اداری و تاریخ نگاری فارسی بوده و زبان امپراطوری که به آن لسان العثماني گفته می شد اثرات زیادی از فارسی دری پذیرفته بود.



علی نظری
معاونت تاریخی